

دکترشاداد ارشد،
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کشمیر

حضور شاعران ایرانی در کشمیر... (بخش اول)

چکیده:

کشمیر به علت جاذبه های متنوع از جهت زیباییهای فطری فراوان، طبیعت سرسبز، آب و هوای خوش، امنیت، آرامش و آسایش آن سرزمین و دارا بودن اماکن تاریخی و اسلامی همچون مدارس، خانقاه ها، مساجد و کتابخانه ها از يك سو و رونق و گسترش زبان فارسی در کشمیر و توجه روز افزون دربار و سلاطین کشمیری به زبان و ادبیات فارسی و داد و دهش فرمانداران حکومتی از سوی دیگر و علاوه بر این شباهتی و مماثلتی که با سرزمین ایران دارد، مورد توجه بسیاری از صوفیان، مبلغان و شاعران ایرانی قرار گرفته، موجب روی آوردن و مهاجرت چندی از آنها به این خطه زیبا گردید. عده دانشمندان و نویسندگان ایرانی که از مناطق مختلف ایران به سوی آن سرزمین دلکش و زیبا کشانده شده اند، خیلی زیاد است. از میان آنها بسیاری هستند که کشمیر را برای استقرار دایمی خود برگزیده بودند. طبیعی است که آنها در همان جا زندگی را به درود گفتند و در همان جا به خاک سپرده شدند. بر سر مرقد های بعضی از آنها عمارات رفیع به عنوان یادگار تأسیس شده است. از میان آنها آرامگاه محمّد امین اویسی منطقی بیهقی (م. ۵۸۸۹. ق.) در محله اویسی، سید کمال الدین در محله سید کمال، سید محمّد کرمانی در مقبره گنج بخش، سید حسین خوارزمی در محله منور آباد، سید حسین سمنانی در دهکده کولگام، مرزا اکمل الدین بدخشی (صاحب مثنوی بحر العرفان) در محله

علمگری معروف هستند. از این رو، این شاعران باتوجه به غنای فرهنگی ایران و زبان فارسی و متأثر از جاذبه های دل انگیز کشمیر در آن سرزمین آثار ارزشمندی را پدید آوردند که اکنون از یادگارهای فرهنگی کشمیر به شمار می رود. در این مقاله ذکر زندگی و نمونه اشعار تنی چند از این شاعران مهاجر ایرانی به کشمیر بسنده کرده و علاقه مندان به مآخذ مورد ارجاع داده شده است.

مقدمه:

۱- **بابا طالب اصفهانی:** وی در زمان حکومت چکان (۹۶۲-۵۹۹۲.ق.) به کشمیر آمده با حکام آن جا تقرب حاصل نمود و در نزاع امرای کشمیر اصلاح کلی فرمود و تا عهد نور الدین جهانگیر گورکانی هند چمن پیرای باغ سخن سنجی بود تا در سال ۱۰۳۲.ق. در کشمیر فوت کرد و در محله بابا پور در مزار بابا خیل آسود او لطف طبعش از حسن معنی ظاهر ازوست:

از سرکوی تو دل با دیده ترمی رود

شعله در دل، ناله برب، خالک بر سر می رود

حرف شرح درد دل، گر آشنای لب کنم

خون ز جیب دیده تا دامن محشر می رود ۲

شعله در پروانه افتد، بلبل آید در خروش

گر بگویم آنچه مارا بی تو بر سر

در حلقه ما زمزمه سور نباشد

ما غمزدگان را دل مسرور نباشد

بی روی تو بیرون کنم از دیده نظر را

گر ذوق تماشای تو منظور نباشد
ویرانه دل چون سر تعمیر ندارد
بگذار که این غمکده معمور نباشد ۳

غمنامه من نخوانی و کهنه شود
مهجوری من ندانی و کهنه شود
دیر آمدنت مباد کین زخم فراق

ترسم که تو دیر مانی و کهنه شود ۴

۲- **میرعلی: مولانا میرعلی** - از اصحاب کمال و شعرای باقیل و قال بود، در عهد سلسله چکان کشمیر از ولایت (ایران) به کشمیر مهاجرت نموده شمع سخنوری افروخته و پیش حسین شاه چک قریبی داشت. ۵ وی در نستعلیق نویسی بی نظیر روزگار بود اما این میرعلی سوای میرعلی قدیم است که در عهد میرزا الغ بیگ خان واضع الاصل خط نستعلیق در شهر توران بوده است. ۶ میرعلی صاحب نطق و بیان بود و فکر شعری جسته جسته می کرد و این دو بیت از زاده های طبعش است:

گل به دستم چه نهی ، در کف من خار خوشست

این گل تازه بر آن گوشه دستار خوشست

سبو سبوده و خم خم دل لوند مرا

مرا قدح چه آب زند آتش بلند مرا؟ ۷

”مسجد موزون مختصر سنگی در اطراف نو شهره قریب بوته کدل، جایی که الحال باغ علی مردان خان است ساخته اوست، ۸، ظاهراً مسکن بلکه مدفن اوهمانجاست.“ ۹ مؤلف تاریخ حسن می نویسند: وی در تعریف کشمیر رساله ای نظم کرده است. ۱۰

۳- **فتح الله شیرازی:** میرفتح الله شیرازی (=شاه فتح الله....) اعلم علمای زمان و مقتدای حکام و اکابر فارس بود. خواجه محمد دهدار

شیرازی متخلص به فانی از اکابر علمای صوفیه است، در علوم معقول و منقول از شاگردان میر فتح الله شیرازی بود، بعداً به دکن رفت و در بیجا پور نزد علی عادلشاه (۹۶۵-۹۸۸.ق.) تقرّب بهم رسانید، و او را بر انگیخت ناوی رابه در بار خود بخواند، و چون میر به دکن رفت، منصب و کالت یافت و صاحب اختیار مهمّات او گردید. پس از کشته شدن علی عادلشاه (۹۸۸.ق.) در سال نهصد و نود (۹۹۰.ق.) جلال الدین محمّد اکبر شاه، پادشاه گورکانی هند فرمانی به طلب او فرستاد، و وی به سال نهصد و نود و یک (۹۹۱.ق.) در فتحپور به حضور رسید، در نهصد و نود و چهار (۹۹۴.ق.) به صدارت کلّ بلاد هندوستان رسید. اکبر شاه هنگامی که در سال نهصد و نود و هفت (۹۹۷.ق.) برای سیاحت کشمیر شد، فتح الله به همراهی او به کشمیر رفت و در آن جا مبتلاء به اسهال شد و همان جا رخت از جهان بربست. سال و صال او در واقعات کشمیر نهصد و نود و هفت (۹۹۷.ق.) هجری قمری نوشته شده است. ۱۱ وی نخست در خانقاه میر سید علی همدانی ۱۲ واقع در کشمیر مدفون گشته، ۱۳ و بعداً به دستور اکبر شاه، جنازه اش را به موضعی رفیع که به تخت سلیمان مشهور است انتقال داده اند. ۱۴ این همان مکان است که بعدها پس از دفن سلیم تهرانی، کلیم همدانی، طغرای مشهدی، قدسی مشهدی و قاضی ابوالقاسم به "مزار الشعراء" معروف شد. این مقبره را اکبر شاه گورکانی در دامن کوه سلیمان در محلّه درگجن، برفراز تپه ای و در کنار تال دل بر ای فتح الله شیرازی تأسیس نمود و نخستین کسی که در مزار الشعراء مدفون گردید میر فتح الله شیرازی ملقب به عضدالدوله از حکمای دربار جلال الدین اکبر شاه بود.

بر روی مرقد فتح الله شیرازی سنگی بزرگ با کتیبه ای به زبان عربی و فارسی موجود است که تا روز گاران ما باقی مانده است. اما این

کتیبه خوانا نیست ، چون اکثر حروف آن با مرور زمان شکسته و خراب شده اند.

این جا باید متذکر شوم که دانشمند فقید علی اصغر حکمت در ” نقش پارسی بر احوار هند ۱۵ و استاد ارجمند محمّد صدیق نیاز مند در مقاله خود در مجله ایران شناسی - ۱۶ ، میر فتح الله شیرازی را با ابوالفتح گیلانی اشتباه کرده اند. ایشان می نویسند که ابوالفتح گیلانی اولین کسی است که در مزار الشعراء مدفون گشته است. ولی این درست نیست ، چون مؤلف اکبر نامه ۱۷ ، مآثر الامرا ۱۸ و عرفات العاشقین ۱۹ می نویسند که حکیم مسیح الذین الوالفتح پسر مولانا عبد الرزاق گیلانی از امرا و مریدان اکبر شاه در سال نهصد و هشتاد و سه (۵۹۸۳ ق.) وارد هند شده به ملازمت عرش آسیانی (اکبر شاه) سعادت اندوخته به منصب در خور سرافرازی یافت. اکبر شاه در سال نهصد و نود و هفت (۵۹۹۷ ق.) برای سیاحت کشمیر عازم کشمیر شد ، و هنگامی که انتهای الویه پادشاهی از کشمیر به کابل اتفاق افتاد ، ابوالفتح در مضافات دمتور در راه کابل به اجل طبیعی در گذشت ، حسب الحکم ، خواجه شمس الذین خوافی به مقبره بابا حسن ابدال برده در گنبدی که خواجه بنا کرده بود به خاک سپرد. تقی اوحدی نیز می نویسند که ” وفات و مرقد او در راه کابل است در مقبره بابا حسن ابدال ” چون پیش از این سانحه روزی چند علامه امیر عضدالدوله (فتح الله شیرازی) هم فوت کرده بود ، صرفی ساوجی ۱۹ این تاریخ یافت.

امسال دو علامه ز عالم رفتند رفتند ، مؤخر و مقدم رفتند
تا هر دو موافقت نکردند بهم تاریخ نشد که : هر دو باهم رفتند : ۵۹۹۷
صاحب عرفات می نویسد : ((در وادی شعر اگر چه کمتر کوشیده ، اما
رطل فضایل چنانکه باید نوشیده ، و این رباعی که به حسن لذت منسوب
می دارند روایت کرده آمد ، وله)) :

آنجا که به چرخست در زخم پلنگ (۱) آتش زند از شوق در آن راه شلنگ (۲)
رفتیم و شنیدیم و گرفتیم به چنگ (۳) آن حلقه که صور (۴) ازوست یک زخم خدنگ (۵) ۲۱
ازوست:

می ازخم معرفت چشیدن مشکل وزهستی خویشتن بریدن مشکل
تحقیق نکات اهل عرفان آسان اما به حقیقتش رسیدن مشکل
مولانا قریبی دماوندی: قریبی از دماوند بوده است اما مدتها در
بغداد و عتبات به سر برده از آن جا در دوران حکومت مغولان گورکانی
هند به هندوستان مهاجرت نمود و به دربار جهانگیر پادشاه گورکانی
منسلک گردید ۲۲، بعد از گذراندن مدتی در هندوستان قریبی به
همراهی جهانگیر پادشاه به کشمیر رفت و در آن جا توطن اختیار نمود و
در همان جا فوت کرد. تقی اوحدی معاصر قریبی و مؤلف تذکره عرفات
العاشقین در باره اش می نویسد:

”.... مولانا قریبی دماوندی، از اهل سخن و از گوهر دانش بی
نیاز بوده، غایت ادراک و علو فکر نهایت ذکا و سمو فطرت داشته،
خاطرش چون شهر ششم منظر سعد اکبر، طبعش چون جبل دماوند معدن
گوگرد احمر آمده، شعله ادراک و دقت خیال، سرعت انتقال، صفای
ذهن، تتبع سخن، جامعیت علوم، تجربه ذاتی، استغناى جبلّی،
وارستگی تمام او را حاصل بوده، مدتها در بغداد و عتبات به سر کرده، از
آنجا به هند افتاده، مدتی در کشمیر رحل اقامت فکنده، در این از منه به
قرب جوار اوحدی پیوست.....“ ۲۳

قریبی در شعر مهارت داشت و در میان شاعران رتبه عالی داشت.
طبیعتش مستغنی بود چون صاحب ریاض الشعراء می نویسد:
” در شاعری کمال قدرت و نهایت مهارت داشته، بسیار مستغنی و

عالی مرتبت ۲۴

ازوست:

خنده بی در دیست بر احوال زار عندلیب هیچ عاشق را الهی یار هر جایی مباد

می فرستم بر او قاصد و می گوید رشک سببی ساز خدایا که به منزل نرسد

آهنگ حج ای دلبر فرزانه مکن بازم ز شکیب و عقل بیگانه مکن
ای بت مکن آهنگ حج از بهر خدای ز بهار که کعبه را صنعم خانه مکن

این شعله که نو گرفته در من نه خرقه گذاردم نه خرمن
این دوستی از چنین بماند نه دوست گذارم نه دشمن
کس دامانم ز جیب نشناخت تا جیب شناختم ز دامن
آنانکه زیار و همشین می پرسند والله که ز خصمان به از این می پرسند
من خود به شکایت از تو لب نگشایم امانه ز دوستان چنین می پرسند ۲۵

الهی شیرازی: حکیم صدرالدین شیرازی متخلص به الهی فرزند

حکیم فخرالدین محمد است که در عهد شاه طهما سب صفوی سر آمد
اطبای عصر بود، وی پس از تحصیل طب و ریاضی و سایر فنون این علم
به سال هزار و یازده (۱۰۱۱ ه.ق.) به اتفاق حکیم رکن مسیح کاشی به
هندوستان رسید. چنانکه ابوالفضل علامی در اکبر نامه در ذیل وقایع
سال چهل و هفتم جلوس جلال الدین محمد اکبر شاه نوشته است:
حکیم رکن و حکیم صدرا قاید توفیق زمام طالع گرفته از عراق به
دارالنعم هندوستان آورد و از دولت ملازمت پادشاه غریب پرور کامیاب
مطالب گردیدند، نخستین پزشکی را باصوری دانش فراهم آورده بود و
به قافیه سنجی میل تمام داشت و مضامین بلند در رسته نظم کشیدی،
دومین در فنون حکمت صاحب دستگاه و از طبابت نیز آگاه و بر انشای
نظم و نثر قادر و آراسته باطن و ظاهر بود. (۲۶)

صدرای مزبور چندی در محضر حکیم علی گیلانی که از

پزشکان معتبر در بار اکبری بود تلقذ کرد و به تکمیل معلومات خود پرداخت، در زمان جانگیر پادشاه (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ه.ق.) از پزشکان معتمد وی بود و پس از فوت حکیم علی گیلانی (۱۰۱۸ ه.ق.) به خطاب "مسیح الزمان" معزز و مکرم گشت، در عهد شاه جهان نیز از مقربان در گاه و به خدمت عرض مکرر منصوب بود. در اواخر ایام عمر زمستان در لاهور و تابستان در کشمیر به سر می برد، و سر انجام به سال هزار و شصت هجری (۱۰۶۰ ه.ق.) در کشمیر وفات یافت ۲۷ کلیم همدانی در تاریخ فوت وی گفت:

ندانم تاکی از فوت عزیزان مرا خواهد ز دل تاب و توان رفت
سوی عیسی به گردون بایدش شد مسیح عهد چون زین خاکدان رفت
ز دل تاریخ فوتش خواستم، گفت: طیب درد دلها از میان رفت = ۱۰۶۰ ۲۸
تقی اوحدی که هنگام تألیف عرفات العاشقین (۱۰۲۲ ه.ق.)
جوانی او را دریافته بوده، در باره وی چنین نوشته است:
رضوان بهشت نفوس شامله، خورشید سیبهر دانش عقول کامله،
مجموعه علم و حکمت الهی، گنجینه فضل و رحمت نامتناهی، حکیم
مسیح الزمان الهی.....

اوراست:

بیا که زمزمه عشق و حی تنزلی است زبان خامه ما در مقام جبریلی است
رخی نشسته در اوبخت عاشقی از خواب به حیرتم که طشت فلک چرانیلی است

رویت که هست در عرق از یار حسن خویش نسبت به مه مکن مده آزار حسن خویش
در دل نهال دوستی کس نپروری کین شاخ را شگوفه سر شک است و بار داغ

در نامه دوست دلفریبی ثبت است صد جای تعال یا حییی ثبت است
من ذره آفتاب و نامم به غلط در دفتر گل به عندلیبی ثبت است

در آنشم از خوی تو چون عود به فریاد چون عود بر انگیخته ام دود به فریاد
طاقت بر بیداد تو باد است، و گرنه آنم که نیابم ز ستم زود به فریاد
من غافل از آن رسم که در شهر محبت آزرده خمش باشد و خوشنود به فریاد
دردا که در آن کوی، فغان کس نکند گوش آید به مثل گر همه داود به فریاد

تلخم چو صبر و شهد مگس آشنانیم یعنی به ذوق اهل هوس آشنانیم
راز نهران محمل از او می توان شنید افغان که با زبان جرس آشنانیم ۲۹
(۶) میر الهی همدانی: در میان شاعران ایرانی که از ایران به سوی
هند مهاجرت نمودند و سپس وارد سر زمین دلکش و زیبای کشمیر شدند
، یکی میر عماد الدین محمود بن میر حجه الله اسد آبادی همدانی
متخلص به الهی بوده است که کشمیر را مقام دایمی برای استقرار خود
نموده است. تقی اوحدی دوست و معاصر الهی می گوید: وی مدتی در
شیراز به کسب کمال اشتغال داشت، از آنجا به عراق آمده يك دو سال
در صفاهان مكث نموده، و در سنه هزار و بیست و يك ۱۰۲۱ ه.ق. به
هند آمده به صحبت وی در آگره رسیدم. ۳۰ باقی نیاوندی می
نویسند که میر الهی در سال ۱۰۱۸ ه.ق. به ملازمت میرزا غازی و قاری
صوبه دار قندهار رسید. ۳۱ بنا بر این معلوم می شود که وی در سال
۱۰۱۸ ه.ق. از خراسان عازم هند بوده چون به قندهار رسیده به جمع
شاعران ملازم میرزا غازی پیوسته و در سال ۱۰۲۱ ه.ق. که میرزا در
گذشت از قندهار به آگره رفته و در آن جا ملازمت مهابت خان اختیار
کرده است و بعد به توسط وی به دربار جهانگیر شاه راه یافت و در سلك
شاعران آن پادشاه در آمد. الهی در سال ۱۰۳۳ ه.ق. به کابل رفت و آن
جا ملازم ظفر خان احسن، استاندار کابل شد. بعد از گذراندن چند سال
در کابل به دهلی مراجعت کرد و به دربار شاه جهان پیوست و صاحب و
ندیم خاص آن پادشاه نایل آمد. الهی در سال ۱۰۴۲ ه.ق. به همراهی

ظفر خان احسن به کشمیر رفت و به سیر گلستان و مناظر کشمیر می پرداخت، وزدگانی خود را در کشمیر به خوشی می گذارد. الهی به دستور شاه جهان در سال ۱۰۵۰ ه.ق. در کشمیر باغی به نام "باغ الهی" احداث کرد. ۳۲ میر الهی در سال ۱۰۶۳ ه.ق. در کشمیر چشم از جهان فرو بست و همان جادر "مزار گنج بخش" مدفون گردید و سنگی بالای قبرش استاده بوده روی آن این تاریخ نوشته دیده ام:

میر الهی مَلِكِ مُلْكِ نَظْمِ بود در اقلیم سخن بی قرین
سال وفاتش طلیدم ز عقل گفت بگو بود سخن آفرین = ۱۰۶۳ ه.ق.
وی دیوان اشعار فارسی بالغ بر پنج هزار بیت ۳۳ و یک تذکره ای به نام
(خزینة گنج الهی) ۳۴ و دو مثنوی در تعریف کشمیر از خود باقی گذاشته
است. ۳۵
از اوست:

چشم از هر گردشی، باناز، عهد تازه بست خط مشکینت، در کتاب حسن را شیرازه بست
نشأه از تیغ او دارم، که چاک سینه ام چون خمار آلوده نتواند لب از خمیازه بست
دسته گل پرده رخ ساختی بهر حجاب سایه گل شد شفق بر آفتابت غازه بست
غیرت فرهاد و مجنونم الهی ز آنکه عشق از پی رسواییم آوازه بر آوازه بست ۳۶

به که سجاده تقوا به شراب اندازم طی کنم نامه طاعت و به آب اندازم
کف ساقی شوم و، از هوس رشحه می خویش را در قدم جام شراب اندازم
چشم مرهم نبود محرم نظاره داغ به که بر عارضش از پینه نقاب اندازم
مست و بی باکم الهی عجبی نیست اگر سبحه در آتش و آتش به کتاب اندازم ۳۷

پاورقی و کتابشناسی:

- ۱- دیده مری، خواجه محمد اعظم، تاریخ کشمیر اعظمی (واقعات کشمیر): انتشارات غلام محمد نور محمد تاجران کتب، مهاراج رنیر گنج بازار، سری نگر، چاپ اول ۱۹۳۷ء ق.، ص ۱۱۴
- ۲- همان؛ ص ۱۱۴- نیز رجوع کنید: کویہامی، پیر غلام حسن۔ تاریخ حسن، (۴مجلد)، انتشارات سازمان تحقیق و اشاعت حکومت جامو و کشمیر (ہند)، چاپ اول ۱۹۶۰ م، ج ۴، ص ۴
- ۳- واقعات کشمیر؛ ص ۱۱۴ و تاریخ حسن؛ ج ۴، ص ۴
- ۴- بدایونی، عبدالقادر۔ منتخب التواریخ (۳مجلد): انتشارات ایشیائیک سوسائٹی، کلکتہ، چاپ اول ۱۸۶۹ م، ج ۳، ۲۶۶، ۳
- ۵- حسین شاہ فرمانروای کشمیر (۹۷۱-۹۷۷ء ق.) از سلسلہ چکان، مذهب تشیع داشت۔ وی قدر دان شاعران بود و خود شعر می سرود، این دو بیت ازوست:
آن ترک آل پوش سوار سمند شد باران حذر کنید کہ آتش بلند شد

- حمایل کردہ تیغ و بستہ خنجر یار می آید دلابر خیز و کاری کن کہ جان در کار می آید
رجوع کنید: تاریخ فرشتہ، مقالہ دہم (ص ۲۶۲) طبقات اکبری (۳: ۲۹۰) تاریخ حسن (۲: ۲۸)
- ۶- میر علی بن میر حسن تبریزی متوفی ہشتاد و پنجہ ہجری قمری مقصود است کہ سلطان علی مشہدی در بارہ اش گوید:
نستعلیق اگر خفی و جلیست واضح الاصل، خواجه میر علیست
رسالہ ای منسوب بہ وی در قواعد نستعلیق و بہ خط رضا قلی ادیب و مقدمہ دکتر محمد عبداللہ چغتایی بہ چاپ عکسی افسر در لاہور بہ سال ۱۳۸۹ھ ق. نشر یافتہ است۔
- ۷- واقعات کشمیر؛ ص ۱۱۵
- ۸- علی مردان خان از طرف شاہ عباس صفوی، شاہ ایران قلعہ داری قندھار را بہ عہدہ داشت، ولی بہ علت سوء تفہم قلعہ را بہ سپاہیان مغول واگذار کردہ بہ ہند پناہند شد و شاہ جہان اورا بہ ملازمت خود پذیرفت۔ علی مردان دوبار از طرف شاہ جہان بہ استانداری

کشمیر مقرّر شد (بار اول از ۱۰۵۲ - ۱۰۵۳، بار دوم از ۱۰۶۱ - ۱۰۶۷ ق.هـ.)
علی مردان در جریان اقامت خود در کشمیر باغی به نام باغ علی
مردان خان احداث نمود که تقریباً هشت کلومتر دور در شمال شهر
سری‌نگر واقع است.

۹- واقعات کشمیر؛ ص ۱۱۵

۱۰- تاریخ حسن؛ ج ۴، ص ۳۰۲

۱۱- واقعات کشمیر؛ ص ۱۱۴

۱۲- میر سید علی همدانی معروف به امیر کبیر از مشاهیر متصوفه
اسلام است. خانقاه او در شهر سری‌نگر، کشمیر در محلی که اولین بار
در آن جا نماز گذارده است بنا شده؛ و اکنون این خانقاه که به نام
"خانقاه معلی" یا "مسجد شاه همدان" معروف است در نزد کشمیریان از
اماکن مقدسه شمرده می‌شود. خانقاه معلی در محله علاء الدین پوره
مایین پل سوم و چهارم (معروف به زینه کدل و فتح کدل؛ کدل = پل)
در شهر سری‌نگر واقع شده است و ظاهراً در ۵۷۹۸ ق.هـ. به توسط پسر او
سید محمد ساخته شده است.

۱۳- گلچین معانی، احمد؛ کاروان هند؛ (۲ مجلد)، انتشارات آستان قدس
رضوی، مشهد چاپ اول ۱۳۶۹ هـ.ش. ج ۲، ص ۹۹۲

۱۴- در شهر سری‌نگر - پایتخت کشمیر، کوهی معروف است، مسلمانان
کشمیر آن را "کوه سلیمان" گویند و اهل هند آن را به نام "شنکر
آچاربه" یاد می‌کنند. در دامن آن کوه محله ای آباد است که به
نام "در گجن"؛ در محله مزبور محلی است به نام "مزار الشعراء".
این مقبره آخرین قرارگاه شش نفر شاعران شهیر ایرانی نثراد می
باشد که در اوقات مختلف در دوران حکومت مغولان گور کانی هند
در کشمیر اقامت گزیدند، در آن جا توطن اختیار نمودند، در همان جا در گذشتند
و در آن جا مدفون شدند.

۱۵- حکمت، علی اصغر؛ نقش پارسی بر احجار هند، انتشارات ایران
سوسایتی، کلکته ۱۹۵۷ میلادی، ص ۷۰

۱۶- محمد صدیق نیازمند، "شاعران ایرانی نثراد مدفون در مزار الشعراء، کشمیر" مجله
ایران شناسی، انتشارات بنیاد کیان، ایالت متحده آمریکا، سال چهارم دوره جدید،
شماره ۱، بهار ۱۳۸۱ هـ.ش. ص ۱۵۴

- ۱۷- رجوع کنید: اکبر نامه (۳: ۱۴۴/۵۵۸-۵۶۴)
- ۱۸- شاهنواز خان، میر عبدالرزاق خوافی: مآثر الامراء، (۳ مجلد)، به تصحیح مولوی عبدالرحیم و مولوی مرزا اشرف علی، انتشارات ایشیا نیک سوسائیتی بنگاله، کلکته، ۱۸۸۸ م، ج ۱، ص ۵۵۸-۵۶۲
- ۱۹- اوحدی، تقی الدین محمد دقاقی بلیانی: تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفين، (۷ مجلد)، مقدمه، تصحیح و تحقیق از سید محسن ناجی نصر آبادی، انتشارات اساطیر، تهران چاپ اول ۱۳۸۸ ش ج ۱، ص ۵۴۳
- ۲۰- صلاح الدین صرفی ساوجی، و (حرفی ساوجی) مذکور در مآثر الامراء اشتباه چاپی است.
- ۲۱- اوحدی، تقی الدین محمد دقاقی بلیانی: تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفين، (۷ مجلد)، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری، آمنه فخر احمد، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب تهران، چاپ اول ۱۳۸۹ هـ، ج ۵، ص ۳۲۵۶
- ۲۲- در تذکره روز روشن آمده است: در عهده شاه جهان پادشاه به هندوستان و رود نمود، اکثر بلاد هند را بقدم سیاحت پیموده، به رباب جهانگیر پادشاه به کشمیر رسید....." (ص ۶۵۷- تذکره روز روشن از مولوی محمد مظفر حسین صبا، به تصحیح و تحشیه محمد حسین رکن زاده آدمیت، انتشارات کتابخانه رازی، تهران ۱۳۴۳ ش.) قول مزبور صاحب روز روشن درست نیست چون شاه جهان بعد از جهانگیر پادشاه تخت نشین شد.
- ۲۳- عرفات العاشقین به تصحیح سید محسن ناجی نصر آبادی، ج ۵، ص ۳۰۷۹-۳۰۸۰
- ۲۴- والله داغستانی، علی قلی خان: ریاض الشعراء، مقدمه، تصحیح و ترتیب شریف حسین قاسمی، انتشارات کتابخانه رضا، رامپور (هند)، ۲۰۰۱ م، ص
- ۲۵- عرفات العاشقین: ص ۳۰۸۰-۳۰۸۱
- ۲۶- اکبر نامه از ابوالفضل: ج ۳، ص ۸۱۶، ۳
- ۲۷- کاروان هند: ج ۱، ص ۹۰
- ۲۸- همان: ج ۱، ص ۹۰
- ۲۹- عرفات العاشقین: ج ۱، ص ۶۳۱-۶۳۳

- ۳۰- همان؛ ج ۱، ص ۶۲۵
- ۳۱- نهاوندى، ملاً عبد الباقي: مآثر رحيمي، (۳ مجلد)، به سعي و تصحيح محمد هدايت حسين خان بهادر، انتشارات ايشياتيك سوسائيتي بنگاله، كلكته ۱۹۳۱ م، ج ۳، ص ۷۸۴-۷۸۵
- ۳۲- براي آگاهي بيستر رجوع كنيد به تاريخ حسن؛ ج ۱، ص ۲۹۰
- ۳۳- يك نسخه خطي ديوان الهي در كتابخانه رضا، رامپور (هند) تحت شماره ۳۴۸۷ نگهداري مي شود، و نسخه ديگر ديوان الهي در كتابخانه موزه برتانيا لندن، (Add-۲۵۳۳۰) مضبوط است.
- ۳۴- يك نسخه تذكرة خزينة گنج الهي در كتابخانه برلين، المان تحت شماره ۶۴۶ موجود است.
- ۳۵- نسخه قلمي هر دو مثنوي الهي در كتابخانه سازمان تحقيق و اشاعت حكومت جامو و کشمير تحت شماره ۵۲۲ نگهداري مي شود.
- ۳۶- ديوان الهي، نسخه خطي رامپور؛ برگ ۱۱۲
- ۳۷- همان؛ برگ ۲۲۱

☆☆☆